

واکاوی نقش نظریه تربیتی اسلام درباره عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی)

مصطفی حاتمی*

چکیده

نظریه‌های تربیتی، دیدگاه‌هایی هستند درباره تعلیم و تربیت که بر اساس آن‌ها فرآیند یاددهی و یادگیری انجام می‌شود. نظریه‌های تربیتی کارکردهای گوناگونی دارند که کارکرد راهنمایی و اثرگذاری آن‌ها بر فرآیند یاددهی و یادگیری، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این کارکرد مبنای تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و نیز مبنای عمل در کلاس درس است و اصول، اهداف، روش‌های تدریس، انتخاب محتوا و روش‌های ارزشیابی بر اساس آنها شکل می‌گیرد. در این پژوهش، دیدگاه نظریه تربیتی اسلام درباره هر کدام از عناصر بالا بررسی می‌شود.

* - کارشناس ارشد، دانشگاه اصفهان.

Mostafahatami30@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹



واژه‌های کلیدی

اسلام، برنامه‌درسی، یاددهی و یادگیری.

مقدمه

نظریه‌های تربیتی، زیرمجموعه‌ای از نظریه‌ها و چهارچوب‌هایی هستند که فعالیت‌های تربیتی بر اساس این چهارچوب‌ها صورت می‌گیرد (پاک‌سرشت، ۱۳۸۶). نظریه‌های تربیتی، زمینه‌های عملی فعالیت‌های تعلیم و تربیت را فراهم می‌کنند و به فرآیند تعلیم و تربیت نظم، انسجام و جهت می‌بخشند. افزون بر این، نظریه‌ی تربیتی تا حدودی نوع منش، شخصیت و صفاتی را که متعلمان باید دارا باشند و نیز نوع دانش و بینشی را که شایسته است فراگیرند، مشخص می‌سازد (پاک‌سرشت، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب نظریه‌های تربیتی، راهنمای برنامه‌ریزی و عمل هستند و می‌توان آن‌ها را راهنمای عمل مدرسان تعریف کرد (باقری و ایروانی، ۱۳۸۰) و نظریه‌ی تربیتی اسلام یکی از نظریه‌های مطرح و از جمله نظریه‌های مبتنی بر توحید است که معیار عملکرد انسان‌ها در آن، وحی و قرآن و مبتنی بر جایگاه رفیع انسان است که مقام جانشینی خداوند را دارد؛ لذا اصول این نظریه از وحی سرچشمه می‌گیرد و از این رو، تعلیم و تربیت اسلامی، دینی، الهی و مذهبی به حساب می‌آید (سلیمان‌نژاد، سرمدی و عزیزی، ۱۳۸۹).

یکی از امتیازهای مهم نظریه‌ی تربیتی اسلام نسبت به سایر نظریه‌های تربیتی آن است که به همه‌ی ابعاد که موجب تکامل انسان می‌شود، توجه می‌کند و از هر آنچه که ناهماهنگی یا وقفه در کمال و رشد همه‌جانبه ایجاد می‌کند، جلوگیری می‌نماید (حسینی‌بهشتی، ۱۳۷۹: ۲۲۳) و انسان حامل نوعی فطرت

است که هرگاه کار و عمل انسان مطابق و هماهنگ با فطرتش باشد، تکامل می‌یابد و از مرحله حیوانیت و خطر از خودبیگانگی می‌رهد. به عبارت دیگر، انسان از دیدگاه اسلام، از دو بُعد خاکی و خدایی ساخته شده است که به هر کدام بیشتر سوق داده شود، آن جنبه و بُعد در او قوی‌تر و بیدارتر می‌شود.

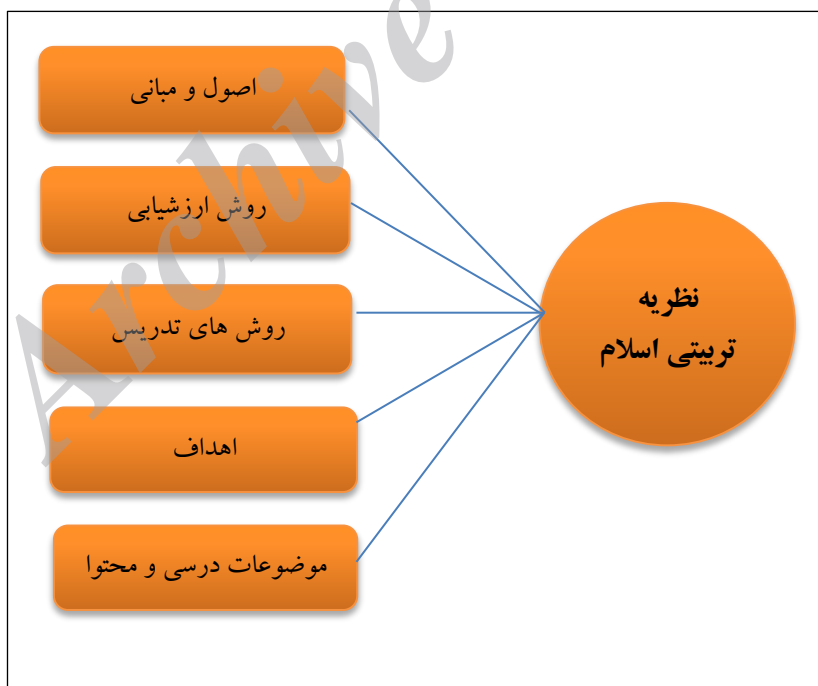
از نظر اسلام انسان با سلسله‌ای از ارزش‌های بالقوه متولد می‌شود. به سخن دیگر، انسان از نظر اسلام، فعال، خلاق و نیکو آفریده شده و بر مبنای فطرتش، حقیقت‌جو، خیرطلب و زیباپرست است؛ یعنی تمام این ارزش‌ها بالقوه در او موجود است؛ البته محیطی سالم و پاک لازم است تا آن‌ها را از قوه به فعل درآورد. از این رو، پاک‌سازی و سالم‌سازی محیط آموزشی از طریق تنظیم برنامه‌ها و کتب درسی و آموزش‌های عملی مناسب می‌تواند برای تحقق هدف‌های متعالی تربیتی مؤثر و کارساز باشد (ایمان‌زاده، ۱۳۸۳).

مدرسان در فرآیند یاددهی و یادگیری، خواسته یا ناخواسته، بر اساس یک نظریه تربیتی خاص عمل می‌کنند که اولین گام در اقدامات تربیتی آن‌ها محسوب می‌شود؛ البته هر کدام از نظریه‌های تربیتی بر سایر مؤلفه‌های مربوط به اقدامات تربیتی از جمله اصول، هدف، انتخاب و سازماندهی محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد و از سوی دیگر، جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است که تمامی اجزا و ارکان آن از جمله فرآیند یاددهی و یادگیری باید بر اساس اصول و قواعد اسلام تدوین و اجرا شود و نظریه تربیتی اسلام در مقایسه با سایر نظریه‌ها در فرآیند یاددهی و یادگیری با دیدگاهی همه‌جانبه‌تر به تعلیم و تربیت انسان نگاه می‌کند. با توجه به نکات یادشده، پژوهشگر این ضرورت را احساس کرده تا پژوهشی با عنوان "بررسی اصول و عناصر برنامه درسی نظریه تربیتی اسلام در فرآیند یاددهی و

یادگیری "انجام دهد و فعالان عرصهٔ تعلیم و تربیت را هرچه بیشتر با اصول، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی مدنظر این نظریه آشنا کند.

روش پژوهش

هدف این پژوهش، واکاوی اصول و مبانی نظریهٔ تربیتی اسلام در فرآیند یاددهی و یادگیری است. پژوهش از نوع نظری و روش آن توصیفی تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. در این پژوهش پس از بیان مقدمهٔ پژوهش، مبانی تعلیم و تربیت در نظریهٔ تربیتی اسلام و سپس اهداف تعلیم و تربیت و موضوعات درسی و معیارهای انتخاب محتوا و در ادامه، روش‌های تربیتی و ارزشیابی در این نظریه بررسی می‌شوند و به‌طور کلی چهارچوب این پژوهش را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم نمود.



مبانی نظریه تربیتی اسلام

مبانی نظریه تربیتی اسلام عبارت است از اصول اساسی تعلیم و تربیت که از جهان بینی و ایدئولوژی نظریه تربیتی اسلام به دست آمده و تعلیم و تربیت اسلامی بر آن استوار است. این مبانی به شرح زیر است:

۱) فضیلت علم، تدبیر، هدایت و تربیت: با توجه به حقیقت جویی و کمال طلبی فطری انسان در اسلام، دانش جویی، تدبر و تعقل که در واقع همان حقیقت جویی است و تربیت خود و دیگران که در حقیقت شکوفاسازی استعداد کمال طلبی است، فضیلت اساسی دارد و با تأکید نام به آن دستور داده شده است. هم چنین در برنامه ریزی آموزشی، روابط مربی و معلم با دانش آموز، تدوین محتوای کتب درسی و مانند آن، تأثیر فراوان دارد و به هر کدام جهت خاص می دهد (وکیلان، ۱۳۷۴: ۱۲۸ و ۱۲۹).

۲) مسؤلیت: این اصل بیانگر آن است که باید مقاومت و ایستادگی انسان را در مقابل شرایط گوناگون افزایش داد تا فرد به گونه ای ساخته شود که از الزام های درونی به نام احساس مسؤلیت یا احساس تکلیف پیروی کند. ایجاد احساس مسؤلیت و تکلیف درونی در خود برای حفظ فرد از گناه و نگهداری ایمان خود برای وصول به اهداف عالی فردی و اجتماعی و در نهایت، تعالی و کمال در پرتو تقرب به خدا، اهمیت بسزایی دارد (حجتی، ۱۳۷۰: ۵۷).

۳) کرامت: در بین موجودات عالم، انسان دارای کرامت است. کرامت، پایه و اساس تربیت به شمار می رود. با توجه به این اصل، تمام افرادی که مسؤلیت تربیت را بر عهده دارند، اعم از پدر، مادر، معلم و مربی، در تمام مراحل رشد و در تمام مقاطع تحصیلی باید به شخصیت فراگیران احترام بگذارند و با آنان هم چون افراد باکرامت رفتار کنند تا از این طریق، شخصیت آنان پرورش یافته

و اعتماد به نفس لازم در آنان به وجود آید. این امر، لازمهٔ تعلیم و تربیت خلاق و نوآور است (سلیمان‌نژاد، سرمدی و عزیزی، ۱۳۸۹).

۴) رحمت و محبت و امیدواری: یکی از نیازهای اساسی انسان محبت است؛ زیرا نه تنها نیاز طبیعی او، بلکه نیاز روحی و معنوی او نیز تأمین می‌شود. انسان در تمام مراحل زندگی خود، نیاز به محبت و مهربانی دارد. رعایت این اصل در جریان تعلیم و تربیت و در تمام مراحل آن ضروری است. بسیاری از صفات خداوند در قرآن کریم، هم‌چون غفور، تواب، رحیم، رحمان، حلم و...، نشان‌دهندهٔ این مطلب است که در مقام تربیت باید بخشنده و مهربان بود و لازمهٔ تربیت، بخشندگی و عطوفت است (فرمیهنی فراهانی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۵) ضرورت توأم ساختن علم با عمل: اعتقاد بدون عمل پایدار نمی‌ماند و همواره بیم آن می‌رود که متزلزل شود و فرو ریزد.

۶) اجتماعی بودن: انسان، موجودی اجتماعی است که استعداد او در اجتماع شکوفا می‌شود و شخصیت وی در اجتماع شکل می‌گیرد و به کمال می‌رسد.

۷) ابعاد وجودی انسان: انسان موجودی است مرکب از نفس و بدن.

۸) برابری همهٔ افراد بشر در آفرینش: همهٔ افراد بشر از یک اصل «آدم و حوا» نشأت گرفته‌اند و هیچ‌یک بر دیگری فزونی و برتری نیست مگر به تقوا.

۹) فطرت: خداوند انسان را به فطرت و سرشتی پاک آفریده است. فرد خداگرا نه تنها دارای استعداد شناخت، حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، عدالت‌جویی و کمال‌طلبی است؛ بلکه توانایی وصول به آن‌ها در وی نهاده شده است.

۱۰) اختیار و آزادی: اختیار اساس هر گونه تکلیف‌پذیری است (وکیلان،

۱۳۷۶: ۱۲۸ و ۱۲۹).

اهداف نظریه تربیتی اسلام

توجه به هدف در انجام فعالیت‌های آموزشی جهت حرکت و آغاز و انجام کار را مشخص می‌کند و از تلاش‌های بی‌ثمر و حرکت‌های بی‌بهره جلوگیری و ارزشیابی از پیشرفت و مراحل تدریس را ممکن می‌کند.

علامه طباطبایی اهداف تعلیم و تربیت در اسلام را دوگونه بیان می‌کند: الف) هدف غایی؛ ب) اهداف واسطی.

الف) هدف غایی؛ رسیدن به توحید در مرحله اعتقاد و عمل

علامه طباطبایی هدف غایی تعلیم و تربیت را رسیدن انسان به توحید، در مرحله اعتقاد و عمل می‌داند. کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان از دیدگاه علامه در این است که انسان به وجود آفریننده آسمان‌ها، زمین و کل پدیده‌های عالم اعتقاد داشته باشد. آنگاه، در مرحله عمل، هر عملی که انجام می‌دهد، حاکی از بندگی او برای خداوند تبارک و تعالی است.

ب) اهداف واسطی

۱) اعتقادی: از آنجا که اعتقاد هر مسلمان همراه با تربیت اسلامی در حال تکوین و تکمیل است، هدف اعتقادی، در این تحقیق، یک هدف واسطه‌ای در نظر گرفته شده است. با این حال، اهداف اعتقادی تعلیم و تربیت اسلامی در رأس اهداف دیگر آن قرار دارد؛ زیرا بدون اعتقاد و ایمان درست، زندگی سالم و معقول برای انسان میسر نیست و در راستای این هدف، هر فردی باید در تحصیل عقیده و بینش صحیح به بررسی‌ها و تحقیقات جامع و دقیق در حد توان خود اقدام نماید و آزادانه، عقایدش را به‌طور استدلالی شکل دهد و از

تعبد و تقلید در عقاید پرهیزد. نظام تربیتی اسلام در تحقق این هدف مسؤلیت مهمی بر عهده دارد و باید با برنامه‌های صحیح آن را عملی سازد.

۲) اخلاقی: در وجود انسان، سلسله‌ای از ارزش‌های اخلاقی نهفته است؛ یعنی انسان به ارزش‌های اخلاقی گرایش دارد؛ بنابراین، انسان موجودی اخلاقی است و تعلیم و تربیت اسلامی برای پرورش اخلاقی فراگیران باید اهدافی را در راستای رهایی آنان از جاذبه‌امیال نفسانی در نظر بگیرد تا آنها بتوانند امیال و آرزوهای خود را در مسیری رهبری نمایند که خداوند تعیین کرده است.

۳) نظامی: فراگیری فنون نظامی و رزمی برای دفاع و جهاد در میدان‌های نبرد ضروری است. هدف از آموزش نظامی در تعلیم و تربیت اسلامی در مرحله اول، بهره‌مندی از آن در میدان‌های جهاد با کفار و دشمنان اسلام است. در اسلام، جهاد به خودی خود هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به آرمان‌های الهی؛ بنابراین، آموزش فنون نظامی و ایجاد آمادگی جسمانی و رزمی در افراد جامعه ضرورت دارد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷).

۴) فرهنگی: یکی از مسؤلیت‌های تعلیم و تربیت در جامعه، حفظ آثار ارزشمند فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آینده است؛ به بیان دیگر، تعلیم و تربیت، وسیله ارتباط میان نسل‌های گذشته، حال و آینده است که دستاوردها و تجارب نسل‌های پیشین را در اختیار نسل‌های کنونی و آینده می‌گذارد.

۵) اجتماعی: سعادت و رستگاری انسان در پرتو تعاملات اجتماعی و در ارتباط با دیگران به دست می‌آید. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «بدیهی است که يك سعادت واقعی کامل جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست؛ چه در غیر این صورت، اگر هم سعادت به دست آید، کامل و همه‌جانبه نخواهد

بود». رستگاری و سعادت انسان، همان‌طور که اشاره شد، در سایهٔ گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می‌شود. تعلیم و تربیت درخصوص این وظیفه و مسؤولیت خطیر باید اهدافی را تعیین کند و برای نیل به آن بکوشد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷).

موضوعات درسی و اصول انتخاب محتوا در نظریهٔ تربیتی اسلام

ابراهیم‌زاده (۱۳۸۸: ۲۵۶؛ به نقل از جمالی زواره، ۱۳۹۰)، عمده‌ترین موضوعاتی را که در برنامه‌ریزی درسی نظام تربیتی اسلام، به آن‌ها توجه شده است، به شرح زیر بیان می‌کند:

۱- معارف اسلامی: اندیشمندان اسلامی در آموزش دینی با الهام از تعالیم قرآن بر ارزش عقل و تفکر تأکید فراوانی می‌کنند و معتقدند تربیت اسلامی تمام توان خود را در راه رشد و تعالی اندیشهٔ آدمی به‌کار گرفته و زمینه‌های آزادی آن را از قید نادانی و تقلید کورکورانه فراهم کرده است.

۲- علوم طبیعی و ریاضیات: موضوع بعدی که متخصصان تربیتی اسلام به آن توجه کرده‌اند، علوم طبیعی و ریاضی است که امکان نگرش دقیق در نظام آفرینش و تفکر منظم و منطقی را برای شاگردان فراهم می‌کند؛ زیرا معتقدند که هر قدر دانش بشر دربارهٔ عالم آفرینش افزایش یابد، باور و اعتقاد او به این واقعیت که جهان را خالق است، استوارتر و پابرجاتر خواهد شد.

۳- علوم انسانی: موضوع دیگر، شناخت آفرینش انسان و ویژگی‌های جسمانی، روحی، عقلی، اجتماعی و فرهنگی اوست؛ بنابراین، علوم انسانی در برنامه‌های درسی، اهمیت زیادی دارند. عمده‌ترین هدفی که برنامه‌ریزان تربیت اسلامی از تدریس مجموعه علوم انسانی با الهام از تعالیم ارزندهٔ قرآن در نظر

گرفته‌اند، تهذیب نفس است. تربیت اسلامی در قالب این مجموعه از علوم، طرحی کامل برای پرورش روح و تهذیب نفس انسان عرضه کرده است تا در سایه این برنامه جامع و فراگیر، انسان مسلمان از همه گونه رفتار ناشایست و انحراف دور شود و انگیزه انجام دادن کارهای نیک و ارزشمند در او رشد یابد.

۴- بهداشت و تربیت بدنی: تربیت بدنی و بهداشت در مجموعه برنامه‌های درسی نیز جایگاه خاص خود را دارد؛ زیرا یکی از مسائلی که در اسلام اهمیت بسزایی دارد، بهداشت فرد، سلامت جامعه و محیط زیست است. برنامه‌ریزان درسی با پیش‌بینی مواد و فعالیت‌های آموزشی - بهداشتی و ورزشی، فراگیران را برای ایفای این مسؤلیت‌ها آماده می‌کنند. آموزش‌های نظامی، دفاع شخصی و دفاع غیرنظامی در این مجموعه، اهمیت دارند و فراگیران را برای ایفای مسؤلیت‌های خود در جامعه و دفاع از سرزمین‌های اسلامی آماده می‌کنند.

از جمله نکاتی که نظریه تربیت اسلام درباره انتخاب محتوای درسی در هر کدام از این موضوع‌های درسی رعایت می‌کند، عبارت است از:

۱- محتوا باید یادگیرنده را به تعقل و تفکر وادار کند.

در تعلیم و تربیت اسلامی، مواد و محتوای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که یادگیرنده به تفکر راه یابد و اندیشیدن درست شاکله او شود تا زندگی حقیقی بر او رخ بنماید؛ زیرا نیروهای باطنی انسان و حیات حقیقی او، با تفکر فعال می‌شود و با گشودن دریچه تفکر، درهای حکمت و راه به حقیقت بر او گشوده می‌شود؛ از این رو، در تعلیم و تربیت اسلامی، تفکر، زندگی دل و حیات قلب معرفی شده است، چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «التفکر، حیاة قلب البصیر» (رشیدی و مرعشی، ۱۳۹۱).

۲- محتوا باید بر اساس اصل نوگرایی مشروط و کهنه‌گرایی مبرهن باشد. اعتبار محتوا به جدید و نو بودن آن بستگی دارد؛ اما این بستگی تا حدودی قابل قبول است؛ چون با ارائه تحقیقات و مطالعات پیاپی، نظریات نو ارائه می‌شود و توجه و استفاده از آن‌ها ضروری است؛ ولی نوگرایی افراطی که دامن‌گیر محققان و اندیشمندان شده است، نامطلوب است (ملکی، ۱۳۸۵).

۳- محتوا باید وحدت داشته باشد.

یادگیرنده به‌عنوان انسان، وجود یکپارچه دارد. این یکپارچگی به حدی است که هیچ‌یک از اجزای آن به‌صورت مجزا قابل فهم و توجیه نیست. مفاهیم، اصول، فعالیت‌ها، روش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و سایر عناصر محتوا به‌صورت یکپارچه وضع بسیار مناسب برای تغذیه فطرت چندبُعدی یادگیرنده به‌وجود می‌آورند (جمالی زواره، ۱۳۹۰).

۴- محتوا باید یادگیرندگان را به‌سوی زندگی سالم هدایت کند.

از نظر تربیت اسلامی، موادی را باید در برنامه درسی گنجانده که فرد را برای بهره‌مندی از یک زندگی سالم آماده کند؛ یعنی او بتواند استعدادهايش را ظاهر کند و به‌کار اندازد و نیازهای فردی و اجتماعی‌اش را به‌موقع و به‌شکل مطلوب ارضاء کند. آموزش علوم و فنون مختلف همراه با آموزش اخلاق نظری و عملی، رسیدن به هدف یادشده را ممکن می‌کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۷).

۵- محتوا باید منجر به تقویت ایمان و تزکیه نفس در یادگیرندگان شود.

تربیت اسلامی در انتخاب محتوا بیش از هر چیز، به میزان تأثیر آن در تقویت ایمان و تزکیه نفس تأکید کرده است؛ چرا که به کنترل درآوردن کشش‌های درونی، عقل را از انحراف و خطا در به‌کارگیری روش خود، مصون می‌دارد و هنگامی که این مصونیت ایجاد شد، در پرتو آن، علم و معرفت

تازه‌ای حاصل می‌شود و این علم ویژه‌ای است که از تزکیهٔ نفس سرچشمه گرفته است. با حصول این علم، عقل تیزبین تر می‌شود (باقری، ۱۳۷۹).

روش‌های تدریس در نظریهٔ تربیتی اسلام

نظریه‌های تربیتی همان‌طور که در انتخاب اهداف و محتوای درسی تأثیرگذار هستند، در انتخاب روش‌های تدریس نیز اثرگذار هستند و منظور از "روش تدریس" همهٔ تدبیرها و فعالیت‌هایی است که معلم برای تحریک، راهنمایی و یادگیری فراگیران انجام می‌دهد. اگر روش تدریس، درست انتخاب و به‌کار برده شود، موجب سهولت، سرعت و دقت یادگیری خواهد شد و فراگیر خواهد توانست در کمترین مدت، بیشترین مطلب را یاد بگیرد. به همین سبب، تربیت اسلامی به معلم توصیه می‌کند که بهترین و مؤثرترین روش‌های تدریس را به‌کار ببندد (ایمان‌زاده، ۱۳۸۳).

برخی از این روش‌های تدریس که نظریهٔ تربیتی اسلام آن‌ها را تأیید می‌کند، عبارت‌اند از:

۱- بحث و مناظره

این روش در تربیت اسلامی، اهمیت بسیاری دارد. استفاده از بحث و مناظره باعث می‌شود که یادگیری، عمیق‌تر و پایدارتر انجام شود و قدرت بیان، اعتماد به نفس و همچنین قدرت تجزیه و تحلیل افراد به میزان قابل توجهی افزایش یابد. این روش از قدیم در حوزه‌های علوم انسانی به‌کار گرفته شده و بسیاری از شخصیت‌ها و اندیشمندان علوم اسلامی، قدرت و مهارت خود را در تدریس و در بیان عقاید خویشتن مرهون استفاده از این روش هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۸۱).

۲- عملی

در این روش، نخست معلم با بیانی کوتاه و رسا، قواعد و اصول کلی انجام عمل را توضیح می‌دهد و سپس دانش‌آموزان را به‌طور عملی با مسئله درگیر می‌کند و در حین عمل، توضیح‌های لازم را برای مشکلات پیش‌آمده بیان می‌کند؛ بدین ترتیب، دانش‌آموزان را در حل مسائل یاری و هدایت می‌کند و به آنان در زمانی کوتاه مهارت می‌آموزد.

۳- اسوه‌ای

انتخاب اسوه و الگوگیری در تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت خاصی دارد. در این روش، هدف این است که فرد در گفتار و رفتار، رفتار و کردار و گفتاری مطلوب خود قرار دهد؛ بدین گونه، موقعیت شاگرد بر اثر این الگوگیری تغییر یابد و حالت نیکو و مناسبی مطابق آن عمل و گفتار مطلوب و نمونه در خویش و در رفتار فردی و اجتماعی او پدید آید. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، اقتدا و اتباع نیکوست؛ یعنی فرد با آگاهی و شناخت از یک الگوی نیکو تبعیت و پیروی نماید؛ پیروی و الگوگیری کورکورانه در اسلام مذمت شده است (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷).

۴- پرسش و پاسخ

اسلام برای طرح پرسش و بحث علمی، هرچند درباره ضروری‌ترین اصول و معارف اسلامی هم باشد، جایگاه و ارزشی خاصی قائل است. اسلام هیچ‌گاه مانع پرسش کردن نمی‌شود؛ نه تنها مانع پرسش نمی‌شود، بلکه برای پاسخ به پرسش و رفع شبهه به حدی اهمیت قائل است که حتی اگر کسی از دشمنان اسلام در میان معركة آتش و خون گفت: من درباره حقایق و حقیقت

دین شما پرسش دارم، اسلام دستور داده شرایطی برای او فراهم آورید که بتواند بیابد و پاسخش را بگیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۶۹-۶۸).

۵- تمرین و تکرار و عادت دادن

بسیاری از رفتارهایی که کودک یاد می‌گیرد، از طریق تمرین و تکرار است. عادت دادن افراد به رفتار پسندیده و ایجاد نظم و انضباط در زندگی و تسلط بر خویشتن، مستلزم وجود برنامه‌ای منظم و مستمر برای تمرین و تکرار است. نظام تربیتی اسلام با قراردادن تمرین‌های روزانه و سالانه به صورت فردی و جمعی، فرایضی را برای انسان‌ها واجب کرده تا این عبادت جزء راه و رسم زندگی آنان شود (فرجی، ۱۳۸۶).

۶- درک و فهم مطالب (دریافت مفهوم)

در این روش، فرد نه تنها اموری را که باید یاد بگیرد، درک می‌کند، بلکه خود شخصاً به بررسی و انتقاد می‌پردازد و آنچه را منطقی و مستدل تشخیص می‌دهد، می‌پذیرد. تعقل یا استدلال در هر مورد، اساس کار یادگیرنده را تشکیل می‌دهد (رشیدی و مرعشی، ۱۳۹۱).

روش ارزشیابی در نظریه تربیتی اسلام

روش ارزشیابی که در تعلیم و تربیت اسلامی استفاده می‌شود، روشی مبتنی بر «اصل توجه به تفاوت‌های فردی» است و منظور از این روش آن است که مربی باید در برخورد با متربی توان فهمی و عملی او را در نظر گیرد و چیزی را به او بگوید و از او بخواهد که در طاقت ادراکی و عملی او باشد؛ چرا که پذیرش

تکلیفی که در توان فرد نباشد، نه تنها سبب موفقیت او در تکلیف نخواهد شد، بلکه چه بسا نتایج سو دیگری را هم در پی خواهد داشت.

در تعلیم و تربیت اسلامی، امتحان ثلثی یا سالانه، به صورتی که در مدارس ما معلوم است، وجود ندارد، بلکه خود معلم یا استاد هر وقت مناسب و لازم دید به شکل و روشی که صلاح می‌داند محصلان خود را ارزشیابی می‌کند و غالباً این ارزشیابی به صورت شفاهی، نوشتن رساله، شرکت در بحث و مناظره انجام می‌گیرد (جمالی زواره، ۱۳۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه تربیتی اسلام، قرن‌ها پیش و قبل از مطرح شدن بسیاری از نظریه‌های تربیتی، اصول و مبانی تعلیم و تربیت را به طور شفاف بیان نموده است و در نظام تعلیم و تربیت بسیاری از کشورهای اسلامی دنیا تا به امروز این اصول و مبانی کاربرد داشته است و این دلیل خوبی برای مقدس و وحیانی بودن این نظریه تربیتی است.

در این پژوهش که هدف آن واکاوی نظریه تربیتی اسلام است، ابتدا اصول و مبانی این نظریه مطرح شد و از این اصول می‌توان نتیجه گرفت که نظریه تربیتی اسلامی بر اصولی استوار است که در آن به ارزش علم و علم‌آموزی، ابعاد وجودی انسان، حقوق و وظایف یادگیرنده و یاددهنده توجه شده است و از اهداف این نظریه این‌گونه استنباط می‌شود که هدف تعلیم و تربیت در این نظریه، الهی شدن و رسیدن به خدا است که برای این هدف، اهداف واسط و ملموسی وجود دارد که با دست‌یافتن به این اهداف، زمینه برای رسیدن به هدف نهایی فراهم می‌شود؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریه معتقد به

پرورش دو بُعد روح و جسم انسان است؛ چرا که طرفداران این نظریه معتقدند اگر فقط به پرورش روح و روان انسان پرداخته شود، تن آدمی فراموش می‌شود و نه تنها از رفاه و لذت مادی محروم می‌شود، بلکه برای سیر و حرکت معنوی هم مرکب راهواری در اختیارش نمی‌ماند؛ زیرا با بدن بیمار و فرسوده امکان رشد و تعالی برای جان و روان بسیار ضعیف است و اگر زندگی همه‌اش خورد و خوراک و لذت مادی باشد، دیگر مجالی برای تجلی انسانیت آدمی نمی‌ماند و از سطح چهارپایان فراتر نمی‌رود.

مواد و موضوع درسی در نظریه تربیتی اسلام شامل مواد و موضوعاتی است که متناسب با اهداف این نظریه، فراگیران را از نظر بُعد روحی و مادی پرورش می‌دهد و در انتخاب محتوای نظریه تربیتی اسلام، میل به کنجکاوی و لذت‌جویی، نیازها و علایق یادگیرنده، تقویت ایمان و تزکیه نفس، تعقل و تفکر، ظرفیت یادگیرنده، نوگرایی محتوا و منفعت در نظر گرفته شده و از روش‌های تربیتی نظریه تربیتی اسلام می‌توان فهمید که این نظریه سعی می‌کند از روش‌هایی استفاده نماید که فراگیران در فرآیند یاددهی و یادگیری فعالانه مشارکت داشته باشند؛ در کمترین مدت، بیشترین مطالب را یاد بگیرند و با سرعت و دقت بیشتری یاد بگیرند و در پایان درباره روش‌های ارزشیابی نظریه تربیتی اسلام باید گفت که روش‌های ارزشیابی در نظریه تربیتی اسلام متفاوت از روش‌های ارزشیابی است که در مدارس ما وجود دارد، به گونه‌ای که معلم در زمانی معین از فراگیران ارزشیابی نمی‌کند (پایان ثلث یا ترم)؛ بلکه زمان ارزشیابی بنابه صلاحدید خود معلم تعیین می‌شود و روش‌هایی که برای ارزشیابی مشخص می‌شود متناسب با یادگیرنده است و تفاوت‌های فردی بین یادگیرندگان رعایت می‌شود.

در پایان با توجه به اینکه فرهنگ جامعه ما فرهنگی اسلامی بوده و نظریه تربیتی اسلام نیز نسبت به سایر نظریه‌ها یک نظریه جامع و کاملی است که به تمامی ابعاد و جوانب انسان در فرآیند تعلیم و تربیت توجه می‌کند، لذا توصیه می‌شود متخصصان برنامه‌ریزی درسی در تمامی مراحل فرآیند برنامه‌ریزی از جمله انتخاب اصول و مبانی، هدف، محتوای درسی، روش‌های تدریس و ارزشیابی از این نظریه بهره گیرند.

منابع

۱. ایمان‌زاده، معصومه، ۱۳۸۳، «بررسی فلسفه تربیتی مدیران و دبیران مدارس شهرستان تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۸۲، فلسفه تربیت، تهران: دانشگاه پیام نور.
۳. باقری، خسرو؛ ایروانی، شهین، ۱۳۸۰، «جایگاه نظریه‌های تربیتی در عمل معلم»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۲، ۱۳۸-۱۲۳.
۴. باقری، خسرو، ۱۳۷۹، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۵. پاک‌سرشت، محمدجعفر، ۱۳۸۶، «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۲۰، ۱۴۸-۱۲۵.
۶. جمالی زواره، اعظم، ۱۳۹۰، «بررسی مبانی فلسفی برنامه درسی آموزش ابتدایی با تأکید بر رویکرد رئالیسم اسلامی و پراگماتیسم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
۷. حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۷۹، شناخت اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. حجتی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۰، سیمای مؤمن در قرآن، تهران: بنیاد قرآن.
۹. رشیدی، علیرضا؛ مرعشی، سید منصور، ۱۳۹۱، «بررسی مقایسه‌ای اهداف غایی، اصول کلی، معیارهای انتخاب مواد درسی و روش‌های تدریس در نظام تربیتی اسلام و لیبرالیسم»، فصل‌نامه مطالعات تربیتی در دانشگاه اسلامی، ۱۶، ۳، ۴۶۳-۴۲۷.
۱۰. سلیمانی‌نژاد، اکبر؛ سرمدی، محمدرضا؛ عزیزی، عبدالله، ۱۳۸۹، «بررسی

- مقایسه‌ای اصول تربیتی پراگماتیسم و رئالیسم»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۳۱، ۱-۱۰۳.
۱۱. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۷، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. صالحی، اکبر؛ یاراحمدی، مصطفی، ۱۳۸۷، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، فصل‌نامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، ۳، ۷، ۲۳-۵۰.
۱۳. فرمیهنی فراهانی، محسن، ۱۳۸۴، *یست مدرن و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات آبیژ.
۱۴. فرجی، عزت، ۱۳۸۶، «بررسی و تجزیه و تحلیل مبانی فلسفی لیبرالیسم و مقایسه آن با معرفت‌شناسی اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور خوی.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *آزادی، ناگفته‌ها و گفته‌ها*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ملکی، حسن، ۱۳۸۵، «دیدگاه برنامه درسی فطری - معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت»، *کنگره علوم انسانی*، ۲، ۳۰-۱۰.
۱۷. نیکزاد، محمود، ۱۳۷۱، *کلیات فلسفه و تربیت*، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۸. وکیلان، منوچهر، ۱۳۷۴، *تاریخ آموزش و پرورش در اسلام*، تهران: پیام نور.